

مقاله تحقیقی

معرفی اصطلاحات علمی مناسب به زبان فارسی به جای Dendrophilous و Dendrocolous

قاسم حبیبی بی‌بالانی^{۱*}، فاطمه موسی زاده صیاد محله^۲

۱. گروه کشاورزی و منابع طبیعی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران
۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد ادبیات فارسی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران

*مسئول مکاتبات: پست الکترونیک: habibibalani@gmail.com

محل انجام تحقیق: گروه کشاورزی و منابع طبیعی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران

تاریخ دریافت: ۹۹/۸/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۱۶

چکیده

این مقاله به معرفی معادل مناسب فارسی برای دو اصطلاح انگلیسی Dendrophilous و Dendrocolous می‌پردازد. با توجه به بررسی و ریشه‌یابی این اصطلاحات در زبان یونانی و انگلیسی و نیز کاربرد این اصطلاحات در رشته تخصصی زیست بوم‌شناسی و منابع طبیعی دارا می‌باشند، اقدام به معرفی اصطلاحات فارسی "دار زی" به جای Dendrocolous به مفهوم "موجوداتی که روی درختان زندگی یا رشد می‌کنند." و معادل فارسی "دار روی" به جای Dendrophilous به مفهوم "دوست دار رشد و نمو گیاه روی درخت" گردید که با این اصطلاحات به صورت دقیق مفهوم فنی انتقال یافته توسط این اصطلاحات در زبان انگلیسی به صورت دقیق‌تر در زبان فارسی نیز انتقال می‌یابد و از طرفی دیگر قابلیت درک و نیز کاربرد مشتقات مختلف این اصطلاحات از قبیل فعل و فاعل و غیره نیز به صورت بهتری قابلیت کاربرد پیدا می‌نماید.

واژگان کلیدی: Dendrophilous, Dendrocolous, اصطلاحات علمی، زبان فارسی

مقدمه

بیان مفاهیم و مطالب علمی همواره یکی از وظایف در میان ملل مختلف بوده است. بشر همیشه در پی فراگیری دانش و بسط و توسعه معلومات خود بوده است و در جهان امروز که سرعت سیر قافله علم شگفتی آفرین شده، مسئولیت زبان و اهل زبان هم همان نسبت افزایش یافته است. حال باید دید که انعطاف و رفتار زبان فارسی در برابر این موضوع مهم در زمان‌های مختلف چگونه بوده است. گواهی تاریخ و تحقق و اثبات دانشمندان، بیانگر آن است که زبان فارسی، در طول زمان‌های مختلف عهده دار مفاهیم و مطالب علمی شده است (۱). زبان فارسی برای ورود به دنیای جدید و علمی، بهای سنگینی را تاکنون پرداخته است و می‌پردازد. چنانکه برخی از دست‌های مغرض و یا در

نگاهی خوش بینانه‌تر، سهل‌انگار و ساده‌اندیش، زبان مظلوم را دستخوش سلسله فراز و نشیب‌هایی کرده و مادام به نبردهایی ناخواسته با دشمنان خود واداشته است، در نتیجه ضربه‌های سهمگین را متحمل شود (۲). تحولات علمی و دگرگونی‌های پرشتاب دنیای علم، زبان‌های مختلف دنیا را به تعامل و داد و ستد واداشته است. البته این تعامل در حوزه لغوی و معنایی (روساخت) روان‌تر و آسان‌تر اتفاق می‌افتد و در حوزه دستوری و ساختمانی (زیر ساخت) بسیار کند و به سختی اتفاق می‌افتد. زبان فارسی با تاریخ و فرهنگ و تمدن ما پیوندی دیرینه و ناگسستنی دارد، به‌طوری که امروزه یکی از مهم‌ترین ارکان هویت ملی ما ایرانیان به حساب می‌آید. به‌همین دلیل، پاسداشت و تقویت زبان فارسی، ارج نهادن

و ضوابط معنایی و آوایی، اهمیتی مانند ساختار دستوری دارد. اصطلاحات علمی معرفی شده در زبان فارسی علاوه بر لزوم استحکام بنیادی و ساختاری و انطباق با اصول تثبیت شده در حوزه ساختمان دستوری، باید در حوزه آوایی و معنایی از خصوصیات ذاتی منطبق با شأن زبان فارسی بهره-مند باشد (۲).

به طور کلی زبان نوشتاری را می توان به دو مقوله به ظاهر متفاوت تقسیم نمود که یکی از آنها زبان علمی و دیگری زبان ادبی می باشد. زبان علمی برای انتقال مستقیم مفاهیم دقیق علمی به کار می رود و مقرون به دلالت صریح و مستقیم است و هدفش این است که لفظ بر معنی، دلالت مستقیم، آشکار و بی واسطه داشته باشد. لفظ در زبان علم شفاف و آینه مفهوم است، یعنی بدون اینکه توجه ما را به خود کلمات و تعبيرات جلب کند و ما را در خود متوقف کند؛ به سوی مدلول و معنی راهنمایی می کند. زبان ادب به آفرینش ادبی اختصاص دارد و علاوه بر نقش پیام رسانی دارای نقش های بیان عاطفی و زیبایی شناسی هم هست (۵). همچنین زبان ادب بیانگر عواطف هم هست و همراه با مراد و مقصود گوینده مبین رفتار و برداشت او نیز می باشد (۸).

متاسفانه زبان فارسی در دوره زمانی که زبان علم به صورت زبان بین المللی انگلیسی معرفی شد با وجود همه توانایی های ساختاری و معنایی و قابلیت انعطاف فراوان و اصالت درخشان تاریخی، فرهنگی، علمی و ادبی نتوانسته همپای زبان علم جهان حرکت نماید. به خصوص در مفاهیم اختصاصی دانش و تکنولوژی و کاربرد اصطلاحات علمی و فنی با دشواری ها و نارسایی های مشهود مواجه گردیده است (۲).

در این مقاله در راستای تولید اصطلاحات صحیح و کاربردی جدید فارسی برای اصطلاحات علمی زبان بین-المللی علم ضمن بررسی و ریشه یابی معنایی دو اصطلاح علمی Dendrophilous و Dendrocolous که از نظر معنای ظاهری به مفهوم "موجودات دوستدار درخت می باشد" مورد بررسی علمی قرار گرفته و برای هر یک از مفاهیم فوق معادل فارسی مناسبی پیشنهاد می گردد. البته هر یک از اصطلاحات فوق توسط متخصصین مختلف معادل هایی به زبان فارسی پیشنهاد شده است که به نقد و بررسی آنها نیز پرداخته خواهد شد.

به این میراث ارزشمند فرهنگی و استحکام بخشیدن به بنیان هویت ملی ما تلقی می شود. علاوه بر این، زبان فارسی زبان رسمی کشور ما و زبان آموزش و ارتباطات فکری و علمی ماست و بخش مهمی از تفکر ما در چارچوب قواعد این زبان شکل می گیرد. به همین علت، کیفیت ارتباطات فکری و رشد علمی و فنی ما کاملاً وابسته به کیفیت زبان ما یعنی زبان فارسی است (۳).

عوامل متعددی که موجب دگرگونی زبان می شوند، به دو دسته عوامل درونی و عوامل بیرونی یا فرازبانی تقسیم می شوند. تغییرات درونی زبان از ساختار درونی و پیچیدگی-های خاص آن نشأت می گیرند، در حالی که تغییرات بیرونی از عوامل غیرزبانی مانند عوامل اجتماعی، تاریخی، سیاسی، مذهبی و جز آن متاثر هستند. تغییرات بیرونی زبان متأثر از عوامل برون زبانی یا فرازبانی است که از مهمترین آنها می توان به ضرورت های زبانی جامعه از جمله کشفیات علمی و پیشرفت های فن آوری، عوامل مذهبی، مهاجرت، عوامل تاریخی، تحولات سیاسی، اجتماعی و تأثیر رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی اشاره کرد (۴).

زبان فارسی در جایگاهی است که باید از آن به یکی از زبان های پویا و زنده دنیا نام برد. زبانی که در آن مدارک قوی موجود است که در قدیم ظرفیت بسیار بالایی از آن در تولید علم و دانش وجود دارد و در دنیای کنونی هم مهمترین وظیفه آن استفاده از حداکثر ظرفیت خود، برای انتقال و از آن مهم تر تولید علم است. به طوری که نخست لغات و عبارات و اصطلاحات ساخته شده هماهنگ با اصول ساختاری و دستور زبان فارسی باشند و دوم با شاخص های زیبایی شناختی لغوی، آوایی و معنایی همخوان و متناسب باشد (۵).

پیشنهاد یک اصطلاح علمی جدید به زبان فارسی برای اصطلاحات علمی وارد شده از دیگر زبان ها مستلزم رعایت اصول و ضوابط فراوانی است که بیشتر آن اصول با ساختار دستوری و تحلیل معنایی آن اصطلاح در زبان مبداء و مقصد (فارسی) ارتباط تنگاتنگ دارد. بر همین اصل، لغت سازی و پیشنهاد اصطلاحات علمی جدید باید بر موازین و مقررات دستوری، معنایی و لغوی منطبق باشد که یکی از این موارد را می توان به ساختمان کلمات و اصطلاحات علمی و فنی و نیز مبحث دستور مقابله ای زبان فارسی با زبان های دیگر نام برد (۶،۷). از طرف دیگر، تحلیل صحیح و مطابقت دقیق آوایی و معنایی لغات و اصطلاحات تازه معرفی شده با اصول

suff. Having a strong affinity or preference for; loving.

به جای عبارت dendrophilous توسط متخصصین اصطلاح "درخت دوست" با معنی "موجودی که روی درخت زندگی می کند." معادل سازی شده است که این اصطلاح به همراه خود مفهومی غیر از زندگی روی درخت را دارد و بیشتر مفهوم "دوستدار تغذیه از درخت" را می رساند تا مفهوم "دوستدار زندگی روی درخت". به منظور جلوگیری از این ابهام بهتر است معادل آن اصطلاح "دار روی" به مفهوم "دوستدار رشد و نمو گیاه روی درخت" مورد استفاده قرار گیرد.

بررسی و پیشنهاد اصطلاح معادل Dendrocolous

ریشه یابی لغت

colous- پسوندی لاتین و به معنی زیر است: to inhabit, to live in, on, or among; to dwell; living among, dwelling in (10)

به عبارتی پسوندی به معنی مکان، محل زندگی و رشد در اصطلاحات علمی زیست شناسی. این اصطلاح برای جدا سازی مکان و محل زندگی گیاهان و جانوران از همدیگر استفاده می شود و بیشتر برای مکان‌های قابل زندگی برای جانوران کاربرد دارد و با ترکیب یک اصطلاح دیگر به عنوان پسوند نمایانگر محل زندگی آن جانور می باشد. پسوندهای -coline, -colid, -coles, -cola, -cole به عنوان دیگر هم-معنی‌های این پسوند در نمونه‌های دیگر قابل ملاحظه می-باشند.

dendrocole, dendrocolous

Living in or growing on trees.

(به معنی زندگی در درخت و یا رشد و نمو در روی درخت). به جای این اصطلاح در زبان فارسی توسط متخصصین امر "دارنشین" به مفهوم "موجوداتی که روی درختان زندگی یا رشد می کنند." پیشنهاد شده است که این مفهوم "دارنشین" بیشتر می تواند برای هر پرنده ای که به صورت موقت برای چند لحظه حتی کوتاه روی درخت می نشیند نیز اطلاق گردد. در حالی که اگر اصطلاح "دارزی" پیشنهاد گردد نقص یاد شده برطرف شده و در کنار آن زندگی و زاد ولد و رشد نمو آن موجود را نیز به همراه خود خواهد داشت.

بررسی و پیشنهاد اصطلاح معادل Dendrophilous

ریشه یابی لغت

DENDRO- + -PHILOUS

tree-loving: living in or on trees (9).

dendro-

a combining form meaning "tree," used in the formation of compound words: dendrology.

(پیشوندی یونانی به معنی درخت برای تولید اصطلاحات ترکیبی مانند: dendrology). پیشوند dendro یکی از پیشوندهای لاتین به معنی درخت و دار می باشد که در تولید مفاهیم مختلف در زبان انگلیسی مورد استفاده قرار گرفته است. از جمله اصطلاحاتی که از این پیشوند تولید شده شامل Dendrology (درخت شناسی)، Dendrochronology (درخت‌گاه‌شماری)، Dendritic cells (یاخته‌های دارینه‌ای) و Dendrite (دارینه) می باشد که در همه آنها از این پیشوند برای تبیین ارتباط و یا شباهت مفهوم اصطلاح تولید شده با درخت مد نظر می باشد.

در زبان سانسکریت به درخت daaru که از لحاظ تلفظ بسیار شبیه به دار در زبان و لهجه گیلکی می باشد که به نوعی می تواند این پیشوند که دارای مفهوم درخت و دار می‌باشد با daaru در زبان سانسکریت ارتباط داشته باشد.

dendro- or dendri- or dendr-

pref. Tree; treelike: dendrochronology.

از دیگر مترادف‌های این پیشوند می توان به dendro-

dendri- و dendr- نام برد که به معنی درخت و شبیه درخت می باشند مانند dendrochronology.

-philous

a combining form meaning "liking," "having an affinity for" that specified by the initial element: dendrophilous.

(ترکیبی یونانی به معنی "دوستدار" و یا "دارای وابستگی به" که دارای تک ترکیب به صورت dendrophilous می باشد.

philous یا -philic پسوند های لاتین که دارای مفهوم "دارای وابستگی و یا انتخاب شدید برای چیزی" و یا "دوستدار چیزی" می باشد. این پسوند بیشتر برای گیاهان استفاده می شود.

شده و جایگزینی معادل های فارسی "دار زی" به جای Dendrocolous و معادل فارسی "دار روی" به جای Dendrophilous معرفی می گردد که علاوه بر اینکه مفهوم واقعی که در زبان انگلیسی با این اصطلاحات انتقال می یابد در زبان فارسی قابل انتقال می گردد از طرف دیگر قابلیت استخراج مشتقات مختلف جهت استفاده در جایگاه های فعل، مفعول و فاعل و غیره نیز بر اساس دستور العمل واژه گزینی که توسط فرهنگستان علوم نیز پیشنهاد شده است را دارا می باشد.

تقدیر و تشکر

نویسندگان این مقاله از دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر کمال قدردانی را دارد.

نتیجه گیری

با توجه به هجوم گسترده اصطلاحات بیگانه از جمله انگلیسی به زبان فارسی و از طرفی دیگر استفاده گسترده این لغات توسط متخصصین رشته های مختلف، ما را بر آن می دارد که در امر انتخاب واژگان جایگزین فارسی دقت کامل را داشته باشیم تا با این کار علاوه بر جلوگیری از ورود اصطلاحات غیرفارسی به این زبان با معرفی واژگان فنی مناسب اقدام به جایگزینی در ابتدای ورود آن به زبان فارسی گردیم. در این راستا اقدامات فراوانی انجام شده است که همانگونه که در بالا آمد به جای دو اصطلاح Dendrocolous و Dendrophilous به ترتیب معادل فارسی "دارنشین" و "درخت دوست" معرفی شده اند که با بررسی های انجام

منابع مورد استفاده

1. Sadeghi, R., 1991. Persian language experiences in science, collection of Persian language and language of science articles, university publishing center. pp. 528.
2. Daneshvari, A., 2004. A brief look at the historical course of Persian scientific lexicography. Persian Literature. University of Tehran 169: 101-119.
3. Zolfeghari, H., 2006. Non-standard patterns in the language of the press. Tarbiat Modares University Persian Language and Literature Research Center, Tarbiat Modares University Press, pp. 405.
4. Modaresi, Y., 2008. An introduction to the sociology of language. Institute of Humanities and Cultural Studies, pp. 378.
5. Daneshvari, A., 2003. Principles and grammar of scientific and technical vocabulary in contemporary Persian language. Journal of the Faculty of Literature and Humanities 53(165): 137-156.
6. Farshid Vard, K., 1991. Grammatical structure and semantic analysis of scientific and technical terms, collection of articles in Persian language and language of science. Nashr Daneshgahi Press, Pp. 268.
7. Farshid Vard, K., 1994. Discourses on Persian grammar, Tehran, Amir Kabir press, pp. 470.
8. Samiei Gilani, A., 1996. Writing rite, University Publishing Center, Tehran.
9. Merriam-Webster, 2020. Dictionary Online, dendrophilous, "<http://www.merriam-webster.com/>"
10. Oxford Advance Dictionary, 2005. Oxford University press, 7th edition, pp. 560.